



پیک مزدیسنان

از قلم دینشاه جی جی باهای ایرانی (سلیسیتر)

به کوشش: حمیدرضا دالوند

متون فارسی سنت زردشتی ۱

بنام حضرت داوود جان دُو

متون فارسی سنت زردشتی ۱

پیک مزدیسنان

از قلم

دینشاه جی جی باهای ایرانی (سلیسیتر)

به کوشش: حمیدرضا دالوند



انتشارات فروهر - ۱۳۹۹

سرشناسه	:	دینشاه ایرانی، ۱۸۸۱ - ۱۹۳۸ م.
عنوان و نام پدیدآور	:	پیک مزدیسنان / از قلم دینشاه جی جی باهای ایرانی (سلیسیتز)؛ به کوشش حمیدرضا دالوند.
مشخصات نشر	:	تهران : سازمان انتشارات فروهر، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	:	۱۹۳ ص.
فروست	:	متون فارسی سنت زردشتی؛ ۱.
شابک	:	۹۷۸۶۰۰۷۸۴۴۴۱۰
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبا
یادداشت	:	کتابنامه.
یادداشت	:	نمایه.
موضوع	:	زردشتی
موضوع	:	Zoroastrianism
شناسه افزوده	:	دالوند، حمیدرضا، ۱۳۳۹ -، گردآورنده
رده بندی کنگره	:	BL۱۵۷۲
رده بندی دیویی	:	۳۹۵
شماره کتابشناسی ملی	:	۷۵۱۸۸۵۱
وضعیت رکورد	:	فیبا

پیک مزدیسنان

دینشاه جی جی باهای ایرانی (سلیسیتز)
به کوشش حمیدرضا دالوند

طراح جلد: میامک جمشیدی زاده

چاپ اول: ۱۳۹۹

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: پردیس دانش

شابک: ۹۷۸۶۰۰۷۸۴۴۴۱۰

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

تکثیر، انتشار و ذخیره سازی تمام یا بخشی از این اثر به هر شکل (چاپی، الکترونیکی و...) و با هر هدف بدون مجوز از ناشر، غیرقانونی و قابل پیگرد است.



مؤسسه فرهنگی انتشاراتی فروهر

نشانی: خیابان حافظ، نرسیده به چهارراه کالج، کوچه بامشاد، پلاک ۳، سازمان جوانان زرتشتی (فروهر)،

تلفکس: ۸۸۸۰۹۶۶۵

مرکز پخش و فروش: خیابان انقلاب، خیابان فلسطین جنوبی، پلاک ۲۶۱، تلفکس: ۶۶۴۶۳۷۰۴



روانشاد جمشید خدارحم فلاحتی



روانشاد مهناز جمشید فلاحتی

روانشان شاد و بهشت برین جایگاهشان باشد

فهرست

۹	سر آغاز
۹	سنت زردشتی
۱۲	سخنی با فرزندگان زردشتی
۱۸	متون فارسی میراث سنت زردشتی در روزگار اسلامی
۲۰	ضوابط و شیوه‌های آماده‌سازی و نشر متن‌ها
۲۱	پیک مزدیسنان
۲۱	دینشاه ایرانی
۲۸	اندیشه‌های دینشاه ایرانی و هویت ملی ایرانیان
۲۸	الف. اهداف سیاسی و فرهنگی
۲۹	ب. دین و نگاه دینی دینشاه ایرانی
۳۰	ج. دین مزدیسنا
۳۲	د. نظریه دایره کمال
۳۹	ه. ایران و مسائل آن در اندیشه دینشاه ایرانی
۴۳	و. زردشتیان ایران در اندیشه دینشاه ایرانی
۵۱	قالب و محتوای پیک مزدیسنان

۵۵	متن
۵۹	preface
۶۰	دیباچه
۶۱	مقدمه
۶۵	ش. ۱: اصول مذهب زرتشت
۶۹	ش. ۲: [جمعیت مزدیستان در اروپا] و تاریخ مزدیستان
۷۷	ش. ۳: مقصد و آمال در زندگانی
۸۳	ش. ۴: معرفت به ذات خداوند در آئین مزدیستا
۸۷	ش. ۵: فروغ راستی
۹۵	ش. ۶: آئینه منش پاک
۱۰۷	ش. ۷: تعلیمات زرتشت
۱۱۵	ش. ۸: چه بودیم و چه باید باشیم
۱۲۸	ش. ۹: پرتو
۱۳۷	ش. ۱۰: وهوخشتر
۱۴۹	ش. ۱۱: سپنتا آرمیتی - سپندارمذ فرشته عشق
۱۶۳	ش. ۱۲: کلید سعادت و رستگاری
۱۸۵	کتابنامه
۱۸۷	نمایه

سر آغاز

"سنت زردشتی" از جمله مفاهیم پرابهام و دامنه‌داری است که کلیه میراث فکری و فرهنگی جامعه زردشتی از روزگار اشوزردشت تا به امروز را در زیر آن می‌توان جای داد. زبان، تاریخ، هنر، باور و اسطوره، آئین، جشن، سبک زندگی، ادبیات، میراث مادی و معنوی، شخصیت‌های تاثیرگذار، تشکیلات و نهادها و... همه و همه، یا هرآنچه فرهنگ در وجه تاریخی و یا جاری و رایج آن باشد، عناصر و وجوه این سنت هستند و آن را پدیدآورده و شکل بخشیده‌اند (برای شناخت ابعاد سنت زردشتی نک. دالوند ۱۳۹۸ ب: ۶۵-۱۰۰؛ ۱۳۹۹ الف: ۱۳۷ به بعد).

به سخن دیگر، سنت در هر جامعه و قوم و ملتی، از جمله جامعه زردشتی، رکن اصلی هویت آن است. سنت تجربه زیسته ماست که صورت امروزی ما را شکل داده است. پس، از آن گریزی نیست و راه فراری نداریم. خوب یا بد نامه اعمال و کارنامه کردار ماست. به هر گوشه زندگی فردی و اجتماعی خود بنگریم، جلوه‌های آن را می‌بینیم. ما در سنت خویش غرق هستیم؛ ریشه در آن داریم؛ از آن تغذیه می‌کنیم؛ از آن نیرو می‌گیریم و رشد و بالندگی مان از آن است.

سنت هر جامعه همچون بستر و خاکی است که در آن کشاورزان کشت کنند و بی‌گمان محصولی که بدست می‌آید، نتیجه غنای آن خاک است. هرچه خاک کهن‌تر و کشته‌تر و بارورتر باشد، محصول خوب و با کیفیتی حاصل خواهد شد. ما محصول خاک سنت خویش هستیم. پدرانِ ما را در این خاک کاشته‌اند و ما نیز فرزندانِ ما را در آن می‌کاریم. بنابر این مثال، روشن است که سنت تا چه میزان در سرنوشت آدمی دخالت دارد. هرچقدر کشاورز زمین خود را خوب بشناسد و از استعداد و ظرفیت آن آگاه باشد، هم در تقویت و حفظ آن موفق است و هم متناسب با آن محصولی مناسب با بازدهی بالا خواهد کاشت.

گاه ممکن است محصول با تنش روبرو شود، آفت بزند و کشتزار با مشکل و چالش روبرو شود. ساده‌ترین راه در توجیه و تفسیر مشکلات نقد زمین است و ناباروری و عدم حاصلخیزی آن را بزرگ کردن و سبب اصلی مشکلات دانستن. تغییر و تعویض زمین نخستین و دم‌دست‌ترین پیشنهاد است.

آری! درست است که خاک گلدان یا شاید باغچه‌ای کوچک را بتوان عوض کرد و شاخه‌ای را قلم کرد و در گلدانی دیگر کاشت، اما تکلیف ریشه‌های عمیقِ درختانِ تناور چیست؟ درختانی که ریشه در هزاره‌ها دارند، ریشه‌های سرو کاشمر و سرو فریومد را می‌گویم که اشوزرتشت بدست خویش کاشت، آنها را چه باید کرد؟ شاید توان گفت یکی را بریدند و دیگری را سوختند، اما نه، ریشه‌های‌شان هنوز زنده هستند و از قنات‌های معرفت در دل کویر ایران تغذیه می‌کنند! ریشه‌ها را نمی‌توان

برید. نمی‌شود سوزاند و هرگز نتوان برکند. خاک کشتزاران کهن را چه می‌شود کرد؟ خاک ایرانشهر را از سغد تا میان‌رودان و از قفقاز تا دریای پارس، چگونه می‌توان تغییر داد و تعویض کرد؟

خاک این کهنه کشتزار گوشت و پوست و استخوان نسل‌ها در گذر هزاره‌هاست. بوی دل‌انگیز آن راوی نسیم نیایش صبحگاهان موبدی خداجو یا لمح‌های ازترنم مغازله‌های عاشقی دل‌شکسته در شب‌های پر محنت فراق و جدایی است. یاد و خاطره مرزبانان بنام و گمنام اما همیشه جاوید است. آمیزه خون مظلومان زمانه و یادگار لحظه‌های شکوه و شادی نیاکان‌مان.

سنت را نتوان دور ریخت. ارثیه پدری است، یادگار مادر بزرگ‌ها! هرچه کهن‌تر، بی‌گمان پربارتر و غنی‌تر و البته پر راز و رمزتر است. صندوقچه اسرار ماست. این بقچه که زیر بغل داریم، روایت چگونه زیستن، چگونه بودن و کیستی و چیستی ماست.

این ارثیه هرچند ارزشمند و مهم و ستودنی است ولی هر میراثی آنگاه مفید است که خوب شناخته شود و آن را درست بکار بندند. میراث نیاکان سرمایه است تا درست مدیریت نشود، بازدهی نخواهد داشت. زمین هرچند بارور و حاصلخیز هم باشد، تا کار نشود و خوب خیش نخورد، کشت کردن نتوان.

سنت سرمایه و ابزاری برای زیستن دوباره ماست. اگر آن را درست شناسیم، درست بکار نبدیم، با بن‌بست‌های ویرانگر و دودمان برافکن روبرو می‌شویم و آن را مانع و سد راه بهزیستی خویش می‌یابیم. این

جاست که تاختن‌های یک سویه به سنت شکل می‌گیرد و گفتمان‌های به‌ظاهر روشنفکرانه تند و تیز در پیرایش و زدایش آن پدید می‌آید، غافل از آن که "یکی بر سرشاخ و بن می‌برید!!"

چالش نو و کهنه، و سنت و تجدد، پیشینه درازی دارد و در دو صد سال گذشته بس دامن‌گستر شده است. تیغ تیز اصلاحات نه شاخ و برگ‌ها که تنه تنومند درخت کهن‌سال سنت را خراشیده است. مصلحان شاخکان را از ریشه جدا ساخته‌اند. ریشه‌ها را رها تا در زیر خاک روزگاران پوسیده شوند. پلاس پوستین سنت را از تن درآورده‌اند تا به موزه تاریخ سپارند و خود برهنه به پذیره آشموغی ایستاده‌اند. و در این سوی میدان نیز، تقدس و تحجر درهم آمیخته است. سدی ساخته و پرده‌ای ضخیم برچشمان همه افکنده است. از ترس لغزش به دامن دیو ارتداد و نابودی میراث گذشتگان، درخت سنت را با انبوهی از سرشاخه‌های کج و بی‌رویه نزار و زننده ساخته‌اند و فرصت هر اصلاح به موقع و رویش آفرین را از آن گرفته‌اند.

سخنی با فرزاتگان زردشتی

جامعه زردشتی با داشتن سنتی دیرین و گسترده، زمینی بس بارور اما به قدر هزاره‌ای ناکشته و خیش نخورده در دست دارد: جمعیتی اندک با کشتزاری انبوه و دیری ناکشته. سنت و هزاران سال میراث آن بار سنگینی است که زنان و مردان شریف و نجیب بهی‌کیش با رنج و

مرارت بر دوش کشیده، از فراز و فرودهای روزگاران گذرانیده و نیالوده تا به امروز رسانیده‌اند.

زردشتیان شأن و منزلت ویژه‌ای در تاریخ ایران پس از اسلام داشته و دارند. پاسداران سنت و میراث فکری ایران از زمان زردشت پیامبر تا به امروز بوده و هستند. وجود آنها و زندگی روزمره ایشان، خود تاریخ زنده و پرده‌ای گویا از تاریخ و فرهنگ ایران باستان است. بسا رموزها و رازهای بزرگ تاریخ و فرهنگ ایران که گشودن آنها ممکن نیست مگر با جستجو و بازخوانی همین زندگی روزمره و برنامه آئینی و عبادی جامعه کوچک زردشتی.

شاید برای پاره‌ای از هموندان جامعه زردشتی، به ویژه جوانان، سنت و میراث گسترده و غنی آن، گاه باری سنگین و بیهوده بر دوش و زنجیری ناگسستنی بر دست و پای خویش احساس شود که اگر نبود پیشرفت فردی و اجتماعی و سعادت هر دو جهان آسان‌تر و دست‌یافتنی‌تر می‌بود. چنین احساسی در دو سده گذشته در همه فرهنگ‌ها و جوامع بشر روی داده است و ستیز سنت و نوگرایی درونمایه تاریخ معاصر بشر است.

چالش‌های نوگرایانه و پرسش‌های آشموغانه آن که طرد و رد سنت و پیراستن باور از شریعت را در لباس اصلاحات روشنگرانه و پیشرو دینی همواره بلند و حق به جانب فریاد زده و می‌زند، تنها ویژه جامعه زردشتی نیست و چالش همه جوامع است. البته طبیعی است سنت دینی کهن زردشتی با چنین میراث بزرگی خیلی زود و در طلیعه عصر

نوگرایی، به ویژه در هند سده‌های هیجدهم و نوزدهم، با این چالش روبرو بشود. این رویارویی و چالش نو در دو سده اخیر کیش بهی را درگیر خود ساخته است. جامعه زردشتی در این مواجهه و درگیری هم زیان دیده و هم بیدار و هشیار شده که چگونه از خود دفاع کند و میراث خود را از گزندها نجات دهد و رهایی بخشد.

سرگذشت خورشیدجی رستم کاما (تولد: ۱۱ نوامبر ۱۸۳۱ - مرگ: ۲۰ آگوست ۱۹۰۹م) نمونه‌ای یادکردنی از رویارویی جوانان زردشتی با نوگرایی و تجدد در روزگار معاصر است: او تاجرزاده‌ای است که پس از مدتی تحصیل به سبک و سیاق سنتی، وارد مدرسه نوین الفیستون در بمبئی شد و به شیوه انگلیسی تحصیل کرد. در همنشینی با جماعت فرنگی فریفته دنیای مدرن و مظاهر و مواهب آن گردید. بتدریج سنت نیاکان را رها کرد و تحت تاثیر تبلیغات فرقه میسیونری جان ویلسون اسکاتلندی که در سده ۱۹م فعالیت گسترده‌ای در بمبئی داشت، به مسیحیت درآمد. برای فعالیت تجاری و اقتصادی راهی اروپا شد و در لندن سکونت یافت. آنجا بود که با دانشمندان و ایران‌شناسان بزرگ غربی چون مول، منانت، برونوف، اشیگل و دیگران آشنا شد. پهلوی و اوستا را به شیوه نوین زبان‌شناسی از آنها فرا گرفت و تازه دریافت جام جمی که سال‌ها دل از بیگانه طلب می‌داشت، در نهان‌خانه خود دارد. به کیش بهی بازگشت و توش و توان خود را وقف نوسازی آموزش و پژوهش سنت نیاکان کرد. در برابر تغییر کیش پارسیان ایستاد و با ایجاد انجمن‌ها و نهادهای علمی پژوهشی نسلی قوی و کوشا از جوانان پارسی را

تربیت و راهنمایی کرد که منشاء و بانی پژوهش‌های سترگ میراث سنت زردشتی شدند: بهروچا، آنتیا، مدی، انکلساریا، کانگا، دابار و دیگر شاگردان و ادامه‌دهندگان راه آنان، همه و همه، از پروردگان و برکشیدگان او هستند (نک. Russell, 1990: 722).

آنچه زندگی و سرنوشت کاما را تغییر داد، آشنایی و آشتی دوباره با همین میراث به‌ظاهر دست و پاگیر سنت بود که روزی گمان می‌کرد اگر آن را رها کند، سعادت‌مند و متمدن می‌شود. چون ارزش و اهمیت آن را نمی‌دانست به آسانی مقهور و مغلوب تبلیغات دیگرکیشان شد. او برای درمان چالش بزرگ جامعه پارسی تجربه شخصی خود را بکار بست: کاما شناخت کافی نداشتن از میراث کهن را علت رهایی آن می‌دانست و بازگشت بدان را هم نتیجه شناخت ژرف و مطالعه علمی آن می‌دید، از اینرو پژوهش علمی سنت را در پیش گرفت و بازخوانی سنت بنابر معیارهای علمی دنیای مدرن را در جامعه پارسی نهادینه کرد.

اقدامات کاما نتیجه خوبی داد و آثار ماندگاری در تاریخ کیش زردشتی باقی گذاشت. همچنین، الگویی مناسب و تجربه‌ای زیسته برای آیندگانی است که ناآگاهانه سنت را به چالش می‌کشند و یا از سر ناآگاهی در مواجهه با دیگری خویشتن را باخته و گوهر گران‌بهایی که دارند، رها می‌سازند.

جامعه زردشتی ایران نیز از گذشته‌های دور با این چالش‌های بزرگ روبرو بوده است. گذشته از نتایج این ستیزها، جامعه کوچک زردشتی تجربه زیسته ارزشمندی در این نبردها بدست آورده است و در سنت

خویش ثبت و ضبط کرده است. در کنار این، نوگرایی و تجدد چالش دیگری بوده که در سده‌های اخیر دین‌مردان و رهبران جامعه زردشتی ایران نیز با آن روبرو بوده‌اند.

بازخوانی سنت نشان می‌دهد که نسل‌های گذشته رهبران زردشتی چگونه در رویارویی‌های سهمگین عمل کرده‌اند و به چه تکیه نموده‌اند؟ نقش سنت و میراث آن در حفظ و نجات جامعه زردشتی در فراز و فرودهای زمانه چه بوده است؟ رهبران و روشنفکران دینی که با ظرافت خطوط فکری و نقشه راه را برای جامعه ترسیم کرده‌اند، چه کسانی بوده‌اند و چگونه می‌اندیشیده‌اند؟

بازخوانی و پژوهش علمی و منتقدانه اما منصفانه سنت زردشتی در ایران افقی تازه در پیش رو می‌گشاید. دگرگونی‌های اندیشه و دین در جهان ایرانی را برای پژوهندگان روشن و نمایان می‌سازد. به مومنان و باورمندان کیش بهی غرور تاریخی، اعتماد به نفس و خود آگاهی دینی می‌بخشد و شیوه‌های درست رویارویی با چالش‌ها را نشان می‌دهد. اگر سنت یادشده درست بازخوانی نشود، چنان که اشاره شد، نه تنها این نتایج مثبت و مطلوب حاصل نخواهد شد که زیان‌های جبران‌ناپذیری در پی خواهد داشت.

بنابر این نگاه و باور است که نگارنده به سهم خویش کوشیده تا سنت زردشتی به ویژه بخش زنده و پویای آن را که با ورود اسلام به ایران آغاز می‌شود و پس از ۱۴ سده همچنان ادامه دارد، موضوع مطالعه خود در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی قرار دهد و در

جامعه علمی به مثابه موضوعی مهم طرح کند و نظر پژوهشگران را به اهمیت و نقش آن جلب نماید.

بی‌گمان پژوهش و بررسی چنین موضوع گسترده و مهمی ممکن نیست مگر با مشارکت و همکاری جامعه زردشتی، زیرا سنت یادشده و مسائل آن هنوز زنده و جاری و مسئله روز این جامعه است. هیچ کس جز فرزندان و جوانان علاقه‌مند زردشتی توان بازخوانی درست آن را نخواهد داشت. بازیگران این سنت پدران و نیاکان شما هستند. میراث آنها هنوز درست تدوین نشده و اسناد و مدارک آن در صندوقچه‌های خانه‌های شما یا در سینه‌های پیران و بزرگان‌تان محفوظ است و نگهداری می‌شود. خوشبختانه در دهه‌های اخیر ایران‌شناسی علمی مورد اقبال و توجه جوانان زردشتی قرار گرفته است و نسل فرهیخته و تحصیل کرده و آگاهی از جوانان زردشتی ایران در حال پیدایش و شکل گرفتن است. سهم زنان در این میان نیز درخور توجه است. امید این که با اقبال روز افزون جوانان و راهنمایی و رهبری دین‌مردان و بزرگان جامعه زردشتی بازخوانی سنت و نوسازی و روزآمد کردن آن، البته بنابر منطق کهن همین سنت، در اولویت قرار بگیرد و همواره ادامه داشته باشد. نسخه‌شناسی، زبان‌شناسی، فرهنگ‌عامه و مردم‌شناسی، تاریخ و باستان‌شناسی، موزه‌داری و سندپردازی، دین‌شناسی و اسطوره، همچنین مهارت دیجیتال‌سازی مواد و میراث فرهنگی، تخصص‌های لازم و مهمی است که جوانان زردشتی برای باز خوانی سنت و بهره‌مندی از این گنجینه بزرگ نیاز دارند. اگر چنین شود، نسلی کارآمدتر و بنام‌تر از

شاگردان کاما در تاریخ کیش زردشتی پدید خواهد آمد که چون برآمده از ایران است، بی‌گمان نقش و تاثیری به سزا در آینده ایران و حفظ هویت و تمامیتی ارضی آن و پاسداری از مرزهای فرهنگی جهان ایرانی خواهد داشت.

متون فارسی میراث سنت زردشتی در روزگار اسلامی

میراث سنت زردشتی در ایران پس از اسلام وجوه مختلفی دارد: از هنر و معماری و یادمان‌های باستانی و تاریخی گرفته تا میراث ناملموس چون آیین‌ها و جشن‌ها و شیوه عبادی و سبک زندگی و گذران روزگار از تولد تا مرگ، از امور سیاسی و دیوانی تا ساختار جمعیتی و اجتماعی و اقتصادی و سواد و آموزش و پرورش، از ادبیات و زبان و گویش تا فناوری‌های بومی و سنتی و... همه و همه، پهنه پژوهشی این میراث هستند. با این همه، متون مکتوب به فارسی گویاترین و البته مهمترین و شاخص‌ترین وجه میراث یادشده است.

جامعه زردشتی ایران دست کم از سده ششم یزدگردی به این سو نقل متون مقدس و دینی خود به فارسی نو را در پیش گرفته و تا به امروز ادبیاتی چشمگیر به نظم و نثر در زمینه ترجمه و تفسیر متون دینی، کلام، روایات، تاریخ، اخلاق و اندرز، نجوم و زبان‌شناسی و غیره پدیدآورده است (نک. دالوند ۱۳۹۹ب). در کنار این، روزنامه‌نگاری، اسناد دیوانی و متون تعلیمی و آموزشی نیز اهمیت فراوانی دارند. این متون چه دستنویس و چه سند، چه چاپ سنگی و نایاب و چه چاپ شده و در

دسترس، پیکره اصلی و قالب متن‌های فارسی زردشتی را تشکیل می‌دهند.

نخستین گام برای بازخوانی سنت در دسترس قراردادن همین مواد و منابع مورد اشاره است. در این راستا برای شناخت و شناسایی آنها اقدام شد و دفتری در معرفی آثار و نسخه‌های خطی و چاپ‌های آنها فراهم آمد که در دسترس است (نک. دالوند ۱۳۹۹ب). حال باید بر مبنای همین دفتر متن‌های مهم و چاپ نشده و نایاب را مشخص کرد و کوشید به کمک ابزارهای نوین چه به صورت کاغذی و چه الکترونیکی در دسترس پژوهندگان قرار بگیرند.

انتشارات فروهر، به همت و تلاش خانم دکتر فرزانه گشتاسب، این مهم را پذیرفته و بر آن است تا زیر عنوان فروست "متون فارسی سنت زردشتی" زمینه نشر و باز نشر متن‌های مهم را فراهم سازد. در این مجموعه اگر بخت یار باشد، نه به هدف تصحیح و پژوهش بلکه به نیت دسترسی حداقلی به متن به هر نحو ممکن، البته صورتی متقن و موثق از آثار و رسالات پیشین فرزندان زردشتی، چاپ و نشر شود. حروفچینی و صفحه‌آرایی مجدد، افست و عکس چندان اهمیتی ندارد، آنچه مهم است، دسترسی به متون معتبر است. به تناسب و فراخور متن و امکانات اقدام خواهد شد. در به روی همه پژوهشگران و علاقه‌مندان به ویژه اهل قلم جامعه زردشتی باز است و می‌توانند هر متنی که در اختیار دارند و در این مجموعه می‌گنجد و اهداف آن را محقق می‌سازد، آماده ساخته و در زیر این عنوان منتشر کنند. مشارکت و همکاری عزیزان نه تنها بر

کیفیت مطلوب کار می‌افزاید که به سرعت بخشیدن امر بازخوانی سنت غنی و کهن زردشتیان ایران خواهد انجامید.

ضوابط و شیوه آماده سازی و نشر متن‌ها

- ۱- متن برآمده از سنت و نوشته فرزندگان جامعه زردشتی پیش از هفتاد سال گذشته باشد.
- ۲- متن کهن و ناشناخته و نایاب و یا هرگز چاپ نشده در اولویت است.
- ۳- متن در سنت زردشتی جایگاه مشخص و موثری داشته باشد.
- ۴- متن درباره موضوعات مهم سنت زردشتی باشد.
- ۵- در صورت دستنویس بودن تا آنجا که ممکن است، همه نسخه‌ها گردآوری و به شیوه علمی تصحیح انتقادی و شرح و معرفی شود.
- ۶- در باره آثار چاپ سنگی موثق‌ترین و آخرین و کاملترین ویرایش مورد استفاده قرار بگیرد.
- ۷- برای کوشش‌گران وفاداری به متن و امانتداری بر هرچیزی دیگر مقدم است.
- ۸- در صورت حروف‌چینی و صفحه‌آرایی مجدد متون پیش‌تر چاپ شده، هنگام تصحیح اغلاط املائی و چاپی، صورت نادرست و یا هر تغییری دیگر، در پانویس نشان داده می‌شود.
- ۹- معرفی، نقد و شرح و تفسیر متن در قالب مقدمه و یادداشت‌ها صورت می‌گیرد.

۱۰- هر متن حتی اگر به صورت افست و عکس منتشر شود، دارای نمایه مفصل و متناسب با محتوی است.

پیک مزدیستان

پیک مزدیستان نشریه‌ای به قلم دینشاه ایرانی، بنابر دلایلی چند به عنوان نخستین رساله از این مجموعه تقدیم پژوهشگران و علاقه‌مندان سنت زردشتی در روزگار اسلامی می‌شود: نخست عنوانی زیبا و پر معنا و متناسب با اهداف این مجموعه دارد. و دیگر، محتوای این رساله است که هدف غایی ماست.

پیک مزدیستان نقشه راهی است که مجموعه پیش رو در پی آن است. حکم دیباچه را دارد. آنچه باید گفت، یکصد سال پیش دینشاه با درایت و روشن بینی ویژه‌ای طرح کرده است. مشکلات و مسائل را بیان کرده و راهکارهایی مناسب و کارآمد داده است که هنوز هم نو هستند و کارآیی دارند.

دینشاه ایرانی (تولد ۴ نوامبر ۱۸۸۱م - مرگ ۳ نوامبر ۱۹۳۸م)

به سبب ویژگی‌های شخصیتی دینشاه ایرانی و نفوذ در امور فرهنگی پارسیان و آشنایی و علاقه وی به مسایل ایران، طی حدود یک صد سالی که از مرگش می‌گذرد، مطالب مختلفی درباره زندگی او نوشته‌اند: مقاله سرجه‌انگیر کویاجی با عنوان "خلاصه‌ای کلی از زندگی مرحوم دینشاه

ایرانی" که در یادنامه دینشاه، ص i-xiii، آمده است؛^۱ قدیمی‌ترین نوشته و مرجع مطالب بعدی است. مقاله "شادروان دینشاه ایرانی" در: اندیشه ما (نشریه سازمان جوانان زرتشتی)، س ۱، ش ۵، ص ۴-۶ و نیز نوشته‌ای از رشید شهرمدان در کتاب *فرزانگان زرتشتی*، ص ۴۹۰-۴۹۹، از آثار مهم زردشتیان ایران در باره اوست که مورد استفاده دیگران بوده است.

در *دانشنامه ایرانیکا* مدخلی به قلم کیخسرو جاماسب آسا و در *دانشنامه جهان اسلام*، نیز مدخلی دیگر به قلم عسکر بهرامی، مدخلی در *دایره المعارف بزرگ اسلامی* به قلم امین شایسته دوست درباره زندگی و آثار دینشاه ایرانی نوشته شده است که هر سه به صورت برخط در دسترس هستند.

مقاله پسر دینشاه بنام کیخسرو د. ایرانی درباره زندگی پدر که در پایگاه زرتشت قابل دسترسی است،^۲ نیز دربردارنده مطالب تازه‌ای در باره زندگی اوست. تازه‌ترین و نیز مفصل‌ترین نوشته‌ها درباره آثار و اندیشه‌های دینشاه ایرانی، از آن افشین مرعشی است که کوشیده نقش وی در رشد ملی‌گرایی ایرانیان را نشان دهد (نک. کتابنامه).

براساس منبع یادشده، گاهشمار زندگی دینشاه ایرانی را چنین می‌توان یادکرد:

- تولد: در روز فروردین از ماه آبان ۱۲۵۰ی / ۴ نوامبر ۱۸۸۱م در

شهر بمبئی.

1. Coyajee, Sir Jehangir C. "A Brief Life-Sketch of the Late Mr. Dinshah Irani,"

2. <http://www.Zarathushtra.com/z/gatha/dji/dinshah.htm>

- پدرش جی‌جی‌باهای مهندس کارخانه نساجی بود. پدر بزرگش بومس/ بامس پور خداداد پور شهریار آقا از اهالی یزد است که در میانه سده ۱۹ به هند مهاجرت کرد.

- مادرش فیروزه بانو از نوادگان کیخسرو ایزدیار کرمانی است که در ۱۷۹۴م از یزد به هند مهاجرت کرد. این خانواده با خانواده ارباب کیخسرو شاهرخ نیز پیوند دارد (Coyajee 1948: vii) و داستان مهاجرت آنها از کرمان به یزد و سپس بمبئی شنیدنی است (نک. شهرمدان ۱۳۶۳: ۴۹۵).

- در پنج سالگی، سال ۱۸۸۶م، پدرش را به سبب یک بیماری همه‌گیر که در بمبئی شایع شد، از دست داد و او و دوخواهرش زربانو و تهمینه بانو را مادرشان به کمک خاله‌هایش بزرگ کرد.

- نام خانوادگی فرزندان بامس "آقا" بود و دینشاه هم نخست این نام را داشت اما به سبب علاقه‌ای که به ایران پیدا کرد، آن را به "ایرانی" تغییر داد.
- حدود سال‌های ۱۸۹۷-۱۸۹۸م، ورود به دانشگاه بمبئی در رشته ادبیات فارسی و انگلیسی.

- همزمان با تحصیل در دانشگاه، در مدرسه سر جمشید جی‌جی باهای نیز بر اساس شیوه‌های نوین به مطالعه اوستا و پهلوی پرداخت.

- ۱۹۰۱م، اخذ مدرک B.A از دانشگاه بمبئی.

- مطالعه حقوق، اخذ مدرک L.L.B در ۱۹۰۴م.

- رسیدن به درجه سلیسیتر^۲ و استخدام در شرکت‌های معتبر در ۱۹۰۸م.

- ۱۹۱۷-۱۹۱۳م، همکاری با خدا بخش ایرانی در ترجمه اشعار سعدی، حافظ، بخش‌هایی از سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک و کتاب انوار سهیلی.

- در ۱۹۱۷م با بانو میتی‌بی دختر اردشیر سیتنا ازدواج کرد، حاصل این ازدواج دو پسر شد: یکی کیخسرو ایرانی متولد ۱۹۲۲ که از شاگردان البرت اینشتن بود و به مقام استادی فلسفه در دانشگاه نیویورک رسید و تا ۲۰۱۷م در قید حیات بود؛ دیگری، فرخ نام متولد ۱۹۲۷م که ساکن بمبئی بوده است.

- ۱۹۱۸م، همکاری موثر در بنیاد نهادن "انجمن زرتشتیان ایران" در بمبئی، به منظور کمک به زرتشتیان ایرانی مهاجر به هند.

- ۱۹۲۰م، ترجمه کلیله و دمنه بهرام شاهی به انگلیسی.

- ۱۹۲۲م، همکاری موثر در بنیاد نهادن "انجمن ایران لیگ" برای پیشبرد امور فرهنگی زرتشتیان ایران و تقویت روابط ایران و پارسیان هند.

- ۱۹۲۲م، چاپ کتاب "گوهرهایی از سروده‌های آسمانی زرتشت"

در بمبئی:

Gems from the Divine Songs of Zoroaster, Bombay, 1922.

- ۱۹۲۴م، همکاری با ایرج تاراپوروالا در ترجمه اپرای رستاخیز

پادشاهان ایران سروده میرزاده عشقی.

- ۱۹۲۴م، چاپ کتاب "سروده‌های آسمانی زرتشت" در نیویورک با

مقدمه تاگور:

The Divine Songs of Zarathustra, New York, 1924.

- ۱۹۲۴ - ۱۹۲۷م، حضور ابراهیم پورداود در بمبئی و همکاری و حمایت دینشاه ایرانی از او.

- ۱۹۲۵م، همکاری موثر در بنیاد نهادن "دفتر آماری پارسی" برای پیشبرد امور فرهنگی، آموزشی و اقتصادی قشر فقیر جامعه پارسی هند.

- ۱۹۲۶ - ۱۹۲۷م / ۱۳۰۵ش / ۱۲۹۶ی انتشار نشریه پیک مزدیسنان و تجدید چاپ ۸ شماره نخست آن در ۱۹۲۷م به صورت یک کتابچه.

- ۱۹۲۸م، ترجمه انگلیسی و مقدمه و چاپ دیوان شعر ابراهیم پورداود با نام پوراندخت نامه.

- ۱۹۲۸م، چاپ کتاب اخلاق ایران باستان که در ۱۹۳۰ نیز تجدید چاپ شد.

- ۱۹۳۰م، تجدید چاپ شماره‌های ۸ تا ۱۲ پیک مزدیسنان صورت یک کتابچه.

- ۱۹۳۲م، سفر به ایران همراه با تاگور، خواهرش زربانو و ر. پ. مسانی و دریافت نشان علمی ایران از رضاشاه پهلوی در بهار ۱۳۱۱ش.

- چاپ کتاب ترجمه منتخبات شعر عارف قزوینی:

Ed. and tr., *Montakabāt-i az divān-e Abu'l-Qāsem 'Āref Qazvini/Poems of Aref*, Bombay, 1933.

- ۱۹۳۳م، چاپ کتاب پرتوی از فلسفه ایران باستان.

- ۱۹۳۳م، چاپ کتاب گزیده شعر شاعران روزگار پهلوی:

Poets of the Pahlavi Regime, Pastonji D. Patel Memorial Iranian Series 4, Bombay, 1933.

- ۱۹۳۴م، چاپ کتاب راه شادی آموزه‌های اخلاقی زرتشت: